

t

طرحنامه پاتوق گفتگو

پاتوق محل اجتماع افراد، با حضور آزادانه جهت گفتگو، رفع شبهات و مسائل مخاطب و ارائه راه حل است. اهمیت برپایی پاتوق گفتگو در فضای عمومی شهرها افزایش تعاملات اجتماعی و فرهنگی و کاهش مشکلات افراد جامعه می باشد. پاتوق متشکل از فضایی صمیمانه و مناسب جهت گفتگوی چهره به چهره است که پیرامون موضوع واحدی این گفتگو به صورت دوطرفه شکل می گیرد. لازم به ذکر است که پاتوق گفتگو با سخنرانی، نشست، همایش و ... متفاوت است.

طرح فوق در طی عملیات رمضان، با محوریت گفتگو بر اساس ۳۰ آیه منتخب در طرح زندگی با آیه‌ها اجرا می‌گردد. هدف از اجرای این طرح ایجاد تعامل بیشتر میان افراد با عقاید و سلاقی مختلف بر مبنای محتوای قرآنی است.

اهداف:

هدف از راه اندازی "پاتوق گفتگو"، جلب مشارکت مردمی و افزایش سرمایه اجتماعی از طریق توسعه فضاهای گفتگوی عمومی در قالب کتابخانه انسانی با مدیریت شهروندان فعال و با تجربه، سازمان های مردم نهاد و افراد متخصص است.

حاضرین در پاتوق گفتگو:

۱. عموم بانوان، از جمله دختران نوجوان و جوان
۲. کارشناس مذهبی (جهت دهنده گفتگو)
۳. اشخاصی که از قبل با آنها ارتباط مؤثر گرفته شده
۴. افراد جدید بدون سابقه ارتباط گیری با آنان
۵. دعوت از مهمانان برجسته و فعال در عرصه فرهنگی و اقتصادی

جغرافیای طرح:

در سطح کشور، فضاها عمومی شهرها و سایر اماکن مناسب جهت گفتگو

پیشنهادهای:

- دکور و فضا سازی پاتوق ترجیحا با هویت فرهنگ ایرانی و سنتی و هنری (آرامش بصری اولیه) باشد.
- ترجیحا میز و صندلی به تعداد مناسب یا هر فضای مناسبی که بشود در آن گفتگو کرد، موجود باشد.
- انتخاب مکان مناسب که محل رفت و آمد و در عین حال امن باشد.
- در صورت اجرای پاتوق در ساعات منتهی به اذان مغرب همراه با افطاری ساده باشد.
- از نصب هرگونه آرم و عنوان و لیبل خودداری شود.
- حضور برادران در کنار خواهران، جهت گفتگو با مخاطبان مرد، در صورت فراهم بودن، مطلوب است ولی الزامی نیست.
- استان هایی که زیست بوم مناسب پاتوق برگزار کردن در فضای عمومی را ندارند، از مکانهایی مانند مسجد جامع، امامزاده، مدارس، پارکها و سایر فضاهای امن تر می توانند به تناسب تشخیص خود اقدام نمایند.

تاریخ و مدت اجرا:

ماه مبارک رمضان

گام های اجرایی

- گام اول: تسلط محتوایی کارشناس مذهبی بر آیات منتخب طرح زندگی با آیه ها
- گام دوم: توجیه افراد برای همراه شدن با مبحث آیات منتخب و شرکت در بحث
- گام سوم: تدبیر برای ثبات و انسجام جلسات در طی عملیات رمضان
- گام چهارم: در صورت لزوم رایزنی با نهادهای مردمی (سمنها)، سازمان های مرتبط با کار فرهنگی و سایر ارگان ها (شهرداری، فرمانداری، استانداری، قرارگاه خاتم و قرب، حوزه هنری، بسیج محلات، بسیج دانشجویی، مسجد محله، هیئات مذهبی، پاتوق های مردمی، خیریه، اوقاف، دفتر امام جمعه، حوزه، دانشگاه..) جهت برگزاری پاتوق با استفاده از ظرفیت های آنها
- گام پنجم: پخش قرائت آیات مربوط به هر روز با صوت مناسب در فضای پاتوق
- گام ششم: فضا سازی مناسب با مناسبت رمضان و نوروز

محتوای پیشنهادی:

(علاوه بر محتواهای موجود در کلنال و سلیت طرح زندگی با آیه ها، محتواهای زیر به عنوان محتوای پیشنهادی بر مبنای آیات ماه مبارک رمضان تقدیم می گردد، سایر محتواها از طریق گروه کارشناسان به دست شما خواهد رسید)

۱- بسته محتوایی عفاف و حجاب

جهت ارائه در پاتوق های گفتگو، کلاس های فوق برنامه معلمین پرورشی و جلسات مذهبی و روضه های خانگی

این بسته ۶ بخش دارد و شامل موارد زیر می شود:

۱. آیات عفاف و حجاب و نکات مرتبط با آن

۲. پاسخ به شبهه آیا در زمان پیامبر(ص) حجاب اجبار بود؟ و بانوان صدر اسلام چه حجابی داشتند؟

۳. حجاب حضرت زهرا(س) چگونه بود؟

۴. آیا زنان ایرانی قبل از اسلام حجاب داشتند؟

۵. حفظ حجاب در شرایط بسیار سخت

۶. نهضت بازگشت به عفاف و حجاب در غرب

* بخش اول: آیات حجاب

۱. قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (آیه ۳۰ سوره نور) به مؤمنان بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرمات) فرو گیرند، و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه تر است؛ خداوند از آنچه انجام می دهند آگاه است.

۲. وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِ أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (آیه ۳۱ سوره نور) و به زنان با ایمان بگو چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند، و دامن خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار نمایند، و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم کیششان، یا بردگانشان (کنیزانشان) یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن پای های خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود. (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد). و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید.

۳. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِلزَّوْجِكِ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً (آیه ۵۹ سوره احزاب) ای پیامبر. به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: روسری های بلند

بر خود بیفکنند، این (عمل) مناسب‌تر است، تا (به عفت و پاکدامنی) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، و خداوند آمرزنده مهربان است.

۴. وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا «سوره احزاب»

و در خانه‌های خود قرار گیرید و همچون دوران جاهلیت نخستین، با خودآرایی ظاهر نشوید (و زینت‌های خود را آشکار نکنید)، و نماز را بر پا دارید و زکات بدهید، و از خدا و رسولش اطاعت کنید؛ همانا خداوند اراده کرده است که پلیدی (گناه) را از شما اهل بیت (پیامبر) دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

نکات مهم این آیه

۱. فرمان داشتن عفاف چشم به مردان و زنان ایمان آورنده
۲. فرمان داشتن خُمُر (حجاب سر و گردن و سینه) برای همه بانوان ایمان آورنده
۳. فرمان ممنوعیت داشتن زینت در برابر نامحرم (لَا يُدِينَنَّ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا)
۴. فرمان داشتن جلباب (چادر یا پوشش دربرگیرنده بلند تیره رنگ) به همه بانوان ایمان آورنده تا حجم بدن و برجستگی‌های بدن‌شان را در مقابل مردان نامحرم بپوشانند.
۵. فرمان ممنوعیت رفتار و کنش متبرجانه (وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ)

تعریف تبرج:

«تَبَرُّجٌ» از «برج» به معنای خودنمایی آمده است، همان گونه که برج در میان ساختمان‌های دیگر جلوه‌ی خاصی دارد؛ بانوان مسلمان در این آیه فرمان داده شده اند تا رفتار و پوششی نداشته باشند که مانند برج توجه مردان را به خود جلب کنند.

جاهلیتِ اولی نشان دهنده‌ی ظهور جاهلیتِ آخری است که ما امروز شاهد آنیم.

پاسخ به یک شبهه مهم:

برخی عنوان می‌کنند که در آیات حجاب خداوند فرمان حجاب را خطاب به دختران و همسران پیامبر(ص) و زنان مومن صادر فرموده است؛ و زنان مسلمان و بانوان غیر مسلمان الزامی برای داشتن حجاب ندارند.

تمام احکام و قواعد فقهی اسلام مخصوص همه مسلمانان است؛ هرچند که در آیات مرتبط با آن احکام «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» آمده باشد. به طور مثال در آیه حرمت شرب خمر (شراب خواری)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آیه ۹۰ سوره مائده)

ای اهل ایمان، شراب و قمار و بت پرستی و تیرهای گرو بندی همه این ها پلید و از عمل شیطان است، از آن البته دوری کنید تا رستگار شوید.

گرچه آیه با «یا ایها الذین آمنوا» شروع می شود؛ اما خطاب آیه با همه مسلمانان است و مجازات شراب خواری برای همه مسلمانان باید اجرا شود.

در ضمن الزام حجاب برای بانوان غیرمسلمان اول به دلیل قانون ملی بودن این واجب الهی در نظام جمهوری اسلامی ایران است و دیگر اینکه در تمام ادیان الهی (یهودیت؛ مسیحیت و دین زرتشتی) حجاب برای بانوان اجباری است.

* بخش دوم:

پاسخ به شبهه آیا در زمان پیامبر(ص) حجاب اجبار بود؟ و بانوان صدر اسلام چه حجابی داشتند؟

بعضی از کسانی که مخالف برخورد با جرم بی حجابی و بدپوششی هستند، این بهانه را می آورند که در تاریخ صدر اسلام، پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) علیه بدپوششی و بی حجابی کاری نکرده اند؛ پس در زمان ما هم نباید اقدامی در این زمینه صورت بگیرد.

اما آیا واقعیت اینگونه که چنین افرادی ادعا می کنند بوده؟ یعنی پیامبر(ص) و امام علی(ع) در حکومت شان هیچ اقدامی علیه ناهنجاری بدپوششی و بی حجابی نمی کرده اند؟

برای پاسخ به این سوالات باید به سراغ تاریخ صدر اسلام رفت و عملکرد پیامبر و حضرت امیرالمومنین(ع) را بررسی کرد... باید توجه داشت که زمان نزول آیه حجاب (۳۱ تا ۳۳ نور) سال پنجم هجری قمری بوده است.

یعنی در ۱۳ سال بعد از بعثت پیامبر(ص) در مکه و سپس تا سال پنجم بعد از هجرت به مدینه، حکم حجاب در قرآن نازل نشده بوده است. اما باید توجه داشت که به غیر بانوان خاندان هاشم همچون حضرت خدیجه(س)، حضرت زهرا(س)، فاطمه عمه پیامبر و فاطمه مادر حضرت علی که حتی قبل از نزول آیات حجاب، پوشش و حجاب کامل داشتند؛ بقیه بانوان مسلمان هم در آن زمان براساس عرف و فرهنگ آن دوره سرزمین حجاز پوشش های بلند و گشاد و همچنین حجاب داشته اند؛ ولی نه حجابی کامل. به این معنا که آنها دو بال روسری هایی که با آن موهای خود را می پوشاندند را به پشت سر می انداختند و زیر گلو و روی سینه را نمی پوشاندند.

اما بعد از نزول آیات حجاب بانوان مسلمان با چنان اشتیاقی حجاب کامل را برگزیدند که جایی برای تذکر یا برخورد با آنها باقی نمی‌ماند. در این زمینه دو روایت داریم که گویای این قضیه است. جناب عایشه در این رابطه اینگونه روایت می‌کند:

«رحمت خدا بر زنان مهاجر باد که هنگامی که خداوند فرمان حجاب را نازل فرمود، ضخیم‌ترین پوشش‌های پشمین خود را برش داده و با آن سر و گردن خود را پوشاندند» و البته در جای دیگر آمده:

«نزد عایشه از برتری زنان قریش سخن به میان آمد. او گفت زنان قریش صاحبان فضیلت‌اند، اما به خدا قسم من در پای‌بندی به کتاب خدا و ایمان به قرآن کسی را برتر از زنان انصار ندیدم. وقتی آیه «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» نازل شد و مردان این آیه را در خانه‌ها بر زنان خود خواندند، بعد از آن هر یک از آن زنان با لباس خود، سر و کناره‌های صورتش را می‌پوشاند. آنان وقتی صبح پشت سر رسول خدا به نماز ایستادند سر و گردن خود را پوشانده بودند، به گونه‌ای که خیال می‌کردی بر سر آنها کلاغ نشسته است»

همچنین مشابه همین روایت را هم جناب ام‌سلمه بیان کرده است:

«بعد از نزول آیه «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» (آیه ۵۹ سوره احزاب) زنان انصار از منازلشان با پوشش‌های مشکی خارج می‌شدند به گونه‌ای که به نظر می‌رسید بر سر ایشان کلاغی نشسته است»

پس واضح است در سال‌های ابتدایی بعد از نزول آیه حجاب اصلاً پدیده بدپوششی و بدحجابی وجود نداشته که بخواهد با آن برخوردی شود. اما کم کم با گسترش اسلام در نقاط مختلف حجاز و سپس حتی در سرزمین‌های دیگر، گزارش‌هایی مبنی بر وجود بدپوششی و یا بی‌حیایی‌هایی در رفتار مردان و زنان دیده می‌شده که اتفاقاً حضرت رسول (ص) و بعدها امام علی (ع) با آن برخورد کرده‌اند.

مثلاً جابر بن عبد الله انصاری روایت کرده است که «پیامبر نهی می‌کرد از اینکه زن هنگام خارج شدن از منزل، لباسی بپوشد که مشهور و انگشت‌نما باشد، و یا خود را تزئین به زیورآلاتی نماید که موقع راه رفتن سر و صدای آنها شنیده شود (و باعث جلب توجه مردان نامحرم گردد)، و همانا او لعنت می‌کرد زنانی را که خود را (از لحاظ پوشش و رفتار) شبیه مردان می‌کنند و یا مردانی را که خود را شبیه زنان می‌نمایند، و همچنین نهی می‌کرد از اینکه زنان بدون ضرورت در میان نامحرم‌ان حرف بزنند»

و یا اینکه امام صادق فرمودند:

«از جمله پیمان‌هایی که رسول خدا (ص) از زنان امت خود گرفته است این است که چادرهای خود را در بین ساق پا و پشت خود جمع نکنند (و بر بدن نچسبانند)، و با مردان نامحرم در محل خلوتی نشینند»

و یا اینکه ایشان به نقل از امام علی (ع) در زمانی که در کوفه خلافت می‌کردند، فرمود:

«ای اهل عراق. آیا شرم نمی‌کنید و به غیرت نمی‌آیید، که زنان شما راهی بازارها و مغازه‌ها می‌شوند و با افراد بی‌دین برخورد می‌کنند؟»

و حضرت به این صورت هم زنانی که بیهوده در کوچه و بازار با مردان نامحرم حرف می‌زدند و هم مردانی که از اینکار زنان‌شان جلوگیری نمی‌کردند را توبیخ کرده است.

پس براساس این روایات اولاً باید دانست که بعد از نزول آیات حجاب، این فرمان الهی به وسیله عموم بانوان مسلمان رعایت می‌شده است. ثانیاً اگر معدود زنان یا مردانی پیدا می‌شدند که قوانین مربوط به عفاف و حجاب را رعایت نمی‌کردند با برخورد پیامبر (ص) و امام علی (ص) مواجه می‌شدند.

* بخش سوم:

حجاب حضرت زهرا(س)

دختر گرامی پیامبر اسلام حضرت زهرا(س) الگوی همه زنان مسلمان جهان است. یکی از مسائل مهمی که دختران و زنان مسلمان می‌توانند از ایشان الگو بگیرند، کیفیت و چگونگی داشتن پوشش و حجاب‌شان است. میزان پوشش و نحوه حجاب دختر پیامبر(ص) در احادیث بیان شده است.

مثلاً امام محمدباقر (ع) درباره اندازه «مقنعه» مادرشان فاطمه زهرا (س) فرمودند: «فاطمه (ع) بانوی زنان بهشتی است، مقنعه او بلند و تا حد بازوانش بود»

و یا اینکه امام صادق (ع) از امام علی (ع) روایت کرده، که آن حضرت فرمود:

مرد نابینائی اجازه گرفت و به خانه ما وارد شد، فاطمه (ع) خود را از او پوشانید. رسول خدا (ص) که در خانه ما بود فرمود: چرا خود را از او پوشاندی در حالیکه وی تو را نمی‌بیند؟ فاطمه (س) گفت: او مرا نمی‌بیند، من که او را می‌بینم و او بوی خوش را استشمام می‌کند. رسول خدا فرمود: شهادت می‌دهم که تو پاره تن من هستی.

اما در مورد چادر حضرت روایت جالبی داریم که سلمان فارسی آن را وصف کرده، و بر حجاب کامل ایشان تاکید می‌کند.

در آن روایت آمده است که وقتی آیات توصیف جهنم و وضعیت جهنمیان بر پیامبر(ص) نازل شد، حضرت آشفته حال شد و به گریه افتاد. اصحاب که نمی‌توانستند پیامبر را در آن حال ببینند، چاره را در آن دیدند که دختر رسول خدا را خبر کنند. زیرا پیامبر همیشه با دیدن فاطمه خوشحال می‌شد. چون حضرت زهرا به پدر رسید، سلمان از چادر ساده و وصله‌دار ایشان به تعجب افتاد و گفت:

«ای وای. دخترهای «قیصر» و «کسری» لباس‌های ابریشم و زربافت می‌پوشند، اما دختر پیغمبر (ص)، چادری کهنه با دوازده وصله به تن می‌کند.»

و یا اینکه در احادیث مربوط به خارج شدن حضرت زهرا(س) از منزل برای بیان خطبه فدکیه در مسجد آمده است که چادر (جلباب) حضرت آنقدر بلند بود که گوشه‌ای از آن بر روی زمین کشیده می‌شده است.

و همه این‌ها یعنی حضرت زهرا (س) در مقابل نامحرمات مقنعه و چادری بلند بر سر می‌کرده‌اند و تمام سر و بدن خود را از نگاه ایشان می‌پوشانده‌اند.

اما دختران حضرت زهرا (س) و بانوان خاندان بنی هاشم هم همگی با پیروی از حضرت زهرا(س) مرضیه (س) دارای حجابی کامل که شامل مقنعه و چادر می‌شده، بوده‌اند.

چنانکه در روایاتی که در وصف حضرت زینب (س) قبل از واقعه کربلا به جا مانده، ایشان همیشه با پوششی کامل و با همراهی برادرانش به زیارت مزار پیامبر در مدینه می‌رفته‌اند.

بر همین مبنا حضرت زینب (س) و بقیه بانوان کربلا در آن صحنه‌های شورانگیز و مصیبت‌وار با حجابی کامل حضور داشتند و در سخت‌ترین شرایط و مصیبت‌بارترین لحظات هم برای حفظ حجاب خود تلاش کردند.

* بخش چهارم:

آیا زنان ایرانی قبل از اسلام حجاب داشته‌اند؟

دین مردمان ایران زمین قبل ورود اسلام به ایران، دین زرتشتی بوده است. این دین که در قرآن کریم به عنوان یکی از ادیان توحیدی محسوب می‌شود و پیروان آن از اهل کتاب (۱۷ سوره حج)؛ فرامینی کامل و واضح برای داشتن حجاب بانوان دارد.

«نامی زت واجیم همگی سر واپوشیم و همگی نماز و کریم بدادار هورمزد»، یعنی همگان نامی ز تو برگوییم و همگان سر خود را می‌پوشیم و آنگاه به درگاه دادار اهورمزدا نماز می‌کنیم. (خرده اوستا)

بر طبق اسناد تاریخی و بانوان زرتشتی ایرانی قبل از ورود اسلام به ایران (تا پایان دوره ساسانیان) دارای حجاب کامل بوده‌اند.

باید توجه داشت که زنان و مردان زرتشتی در طول تاریخ همیشه لباس‌های بلند، با یقه‌های بسته و آستین‌های بلند می‌پوشیده‌اند. و حتی پوشیدن شلوار زیر پیراهن‌های بلند در میان زنان و مردان ایرانی کاملاً مرسوم بوده است.

اما حجاب زنان زرتشتی شامل چند بخش می‌شده است:

۱-لچک:پارچه سه گوش بزرگی که بانوان زرتشتی در منزل و جلوی مردان فامیل به سر می‌کردند و مو و برجستگی‌های بدن خود را می‌پوشاندند.

۲-مکنو (مکنعه یا مقنعه): پارچه سه گوش کوچک و در برخی از موارد کلاه پارچه‌ای که موهای بالای سر می‌پوشانده است.

۳-چارقده:پارچه بسیار بزرگی که کارکرد چادرهای امروز را داشته و روی مکنو و روی البسه دیگر پوشیده می‌شده است.

چارقدها بانوان ایرانی در سه اندازه تا روی کمر (مانند چارقده بانوان ابیانه‌ای)، چارقده تا روی زانو (مانند چارقده بانوان گیلانی و بلوچ) و چارقده تا روی مچ پا (مانند چارقده زنان زرتشتی و آذری و...) بوده است.

* بخش پنجم:

حفظ حجاب در شرایط خیلی سخت (مادر و دختر پتویی)

مرضیه حدیدچی (دباغ) از بانوان مبارز قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بود که با شروع مبارزه امام خمینی(ره) علیه حکومت پهلوی به جمع مبارزان و یاران ایشان پیوست. این بانو به همراه دخترانش با پخش اعلامیه‌های امام میان مردم به آگاه سازی دیگران می‌پرداخت.

در سال ۱۳۵۱ ش.خانم حدیدچی و دخترش رضوانه خانم که در آن زمان فقط ۱۵ سال داشت، توسط دستگاه امنیتی شاه (ساواک) دستگیر می‌شوند. جرم خانم حدیدچی در موقع دستگیری توزیع اعلامیه امام (ره) و جرم رضوانه داشتن چند برگ از یک سرود انقلابی بود. آنها به دلیل همین اتهامات شدیداً شکنجه شدند.

در ابتدای دستگیری، ماموران به بهانه خودکشی و حلق آویز نکردن، چادر از سر این مادر و دختر می‌کشد. اما خانم حدیدچی و دخترش رضوانه خانم در آن شرایط سخت بازجوئی، راهی برای حفظ حجاب خود پیدا می‌کنند.
رضوانه دباغ درباره آن راه حل می‌گوید:

«آنها چادرمان را گرفته بودند و ما برای حفظ حجاب خود از پتوهای سربازی که در اختیارمان بود به عنوان چادر استفاده می‌کردیم. کار ما در آن تابستان گرم برای مأموران خیلی تعجب‌آور بود و آنها با مسخره ما را «مادر و دختر پتویی» می‌خواندند. خلاصه آن شب سخت گذشت و صبح هر دوی ما را برای بازجویی بردند. قبل از شروع بازجویی شکنجه با شلاق و شوک الکتریکی و... شروع شد.

این مادر و دختر البته با مقاومتی مثال زدنی و تحمل آن شکنجه‌های سخت، هم اطلاعاتی به ماموران نمی‌دهند و هم در آن وضعیت وحشتناک حجاب خود را حفظ می‌کنند.

چادر برزنتی و گرمای ۵۰ درجه

با تجاوز ارتش بعث صدام به خاک ایران و شروع جنگ تحمیلی، چند بانوی ایرانی به اسارت دشمن درآمدند. در میان آنها ۴ دختر جوان به نامهای «فاطمه ناهیدی»، «معصومه آباد»، «حلیمه آزموده» و «مریم بهرامی» حضور داشتند که به عنوان نیروی هلال احمر و امداد در جبهه‌ها به رزمندگان مجروح کمک می‌کردند. کوچکترین این دخترها ۱۷ سال و بزرگترین آنها ۲۱ سال داشته است.

بعد از اسارت این ۴ دختر، باوجودی که آن‌ها از ماموران بعثی عراق کتک زیادی خوردند، حاضر نشدند لباس زردرنگ اسارت که شامل یک بلوز و شلوار می‌شد را بپوشند. آنها دوسال تمام با همان مانتو و شلوار و مقنعه‌ای که در موقع اسارت تن شان بود، در اردوگاه اسرا و در اتاقی کوچک زندانی بودند و روزگار را در شرایط سخت می‌گذراندند.

بعد از دو سال چند مامور صلیب سرخ جهانی به اردوگاه می‌آیند و فرمانده اردوگاه اجازه می‌دهد که این ۴ دختر با لوسینا یکی از زنان عضو صلیب سرخ صحبت بکنند. لوسینا که لباس‌های کهنه و پر از وصله دخترها را می‌بیند، خیلی متاسف می‌شود و به آنها می‌گوید که چرا حاضر نیستند لباس‌های زردرنگ اسارت که نو هستند را بپوشند. دخترها می‌گویند که با آن لباس‌ها حجاب ما رعایت نمی‌شود.

خانم معصومه آباد درباره اینکه چطور با سه دوست اسپرش می‌توانند صاحب لباس نو و کاملاً پوشیده شوند، توضیح می‌دهد: «لوسینا با اصرار خواست بداند که چه لباسی مدنظر ماست و چه کمکی میتواند به ما بکند. گفت: ما یک هفته در بغداد هستیم و هر لباسی که شما بخواهید برایتان تهیه می‌کنم... اصلاً شما بگویید چه می‌خواهید؟ اگر پارچه بیاورم میتوانید در خیاط خانه اینجا از همین لباس‌های که پوشیده‌اید، برای خودتان بدوزید؟

خوشحال شدیم و گفتیم: این پیشنهاد خوبی است اما اگر قرار است پارچه تهیه کنید برایمان چادر هم بیاورید. نوع و مقدار پارچه چادری برایش قابل فهم نبود. برای اینکه بهتر متوجه شود نشانی عبای زنان عرب را دادیم و گفتیم چادر هم شبیه عباس و عراقی‌ها می‌توانند در خرید این پارچه به شما کمک کنند. صبح روز بعد اول وقت لوسینا همراه چهار قواره پارچه به رنگ‌های کرم، سبز، قهوه‌ای و طوسی با همان اشتیاق وارد اتاق ما شد...

پارچه چادر مشکی را که دیدیم کلی خندیدیم و لوسینا که از خنده ما خیلی خوشحال شده بود پرسید: این همان چیزی است که می‌خواستید؟ با اینکه افسر عراقی با بدجنسی یک پارچه ضخیم مشکی برزنتی را برای ما تهیه کرده بود و آن پارچه هیچ شباهتی به پارچه چادری نداشت، از لوسینا تشکر کردیم و گفتیم: بله همان است.

به این ترتیب دخترها با آن پارچه‌ها و کمک گرفتن از بخش خیاط خانه اردوگاه برای خود مانتو و شلوار و مقنعه و چادر دوختند.»

مروه شربینی، شهیده حجاب

مروه شربینی سال ۱۹۷۷ م (۱۳۵۶ ش) در شهر اسکندریه مصر متولد شد. پدر و مادرش هر دو شیمیدان بودند و او توانست در سال ۱۹۹۵ م (۱۳۷۴ ش) از کالج انگلیسی دختران قاهره مصر فارغ التحصیل شود.

مروه هفت سال بعد و در حالیکه ازدواج کرده بود به همراه همسر و پسرش به آلمان رفتند و در شهر درسدن ساکن شدند. همسرش وابسته فرهنگی مصر در یکی از دانشگاه‌های آلمان بود و با استفاده از بورس تحصیلی در رشته مهندسی ژنتیک به تحصیل می‌پرداخت.

یک سال بعد از اقامت مروه شربینی و خانواده‌اش در شهر سدن آلمان، و در زمانی که مروه پسرش را به پارک برده بود؛ یک مرد آلمانی به اسم «الکس دبلیو» شروع به توهین کردن به وی کرد و به دلیل حجاب مروه، او را تروریست خطاب کرد. مروه از آن مرد به دادگاه شکایت کرد. پس از برگزاری جلسه دادگاه، الکس دبلیو به خاطر آن توهین به پرداخت ۷۵۰ یورو محکوم شد اما او این حکم را نپذیرفت و تقاضای تجدید نظر کرد.

در حین برگزاری جلسه دادگاه تجدید نظر در یک دادگاه در شهر درسدن، این فرد آلمانی جلوی چشمان قاضی و سایر حاضرین به شربینی حمله کرد و با ۱۸ ضربه چاقو وی را که سه ماهه باردار بود، از پا در آورد و همسر شربینی و یک مرد دیگر را زخمی کرد.

در زمانی که این فرد آلمانی ضربات چاقو را به شربینی وارد می‌کرد، شوهر مروه برای نجات همسرش به طرف وی رفت که توسط پلیس آلمان مورد تیراندازی قرار گرفت. پس از آن شوهرش با وضعیتی بحرانی به بیمارستان منتقل شد. پلیس آلمان بعدا ادعا کرد از روی اشتباه به شوهر شربینی تیراندازی کرده است...

تشییع جنازه مروه شربینی در مصر برگزار شد. در آن مراسم تشییع، وی «شهیده حجاب» نامیده شد و حتی شهادت وی تا به امروز به عنوان نماد «اسلام ستیزی در غرب» شناخته می‌شود.

* بخش ششم:

نهضت بازگشت به عفاف و حجاب در غرب

در طول چندین دهه آن قدر در رسانه‌های کشورهای غربی تصاویر، فیلم‌ها، سریال‌ها و پویانمایی‌های غیراخلاقی پخش شد، که کم کم فساد در میان جوانان و نوجوانان نشان گسترش پیدا کرد.

سیاست شرکت‌های بزرگ طراحی مد و صنعت سینما با انقلاب جنسی و عادی کردن روابط آزاد میان دختران و پسران در آمریکا و سپس در اروپا، وضعیت وحشتناکی از بی‌بندوباری اخلاقی را در آن جوامع ایجاد کردند.

با افزایش رفتارهای غیراخلاقی، فضای اجتماعی جوامع غربی، به انواع گناهان آلوده شد؛ گناهی چون روابط آزاد و بی‌قیدی جوانان، اعتیاد به انواع مواد مخدر و مشروبات الکلی، بالارفتن آمار تولد نوزادان نامشروع، و بدتر از آن، آمار بالای آزارجنسی دختران و زنان و... به همین علت دختران و زنان وقتی در محیط‌های عمومی و خیابان‌ها با مردان روبه‌رو می‌شدند، احساس ناامنی می‌کردند.

کم‌کم اعتراض‌ها به عواملی که موجب گسترش آن همه فساد اخلاقی در غرب شده بود، زیاد شد. با گسترش این اعتراض‌ها و انتقادات در میان مردم، اعتراضات به یک موج تبدیل شد. موجی که در آن افراد با انتقاد از وضعیت موجود، خواهان بازگشت جامعه غربی به سوی پاکی و خوشتن داری جنسی بودند.

ماجرای کجا شروع شد؟

این موج را در غرب نویسندگان و متفکرین غربی با تدوین و چاپ مقالات و کتاب‌هایی با موضوع خوشتن داری، ارزشمندی پاکدامنی و بازگشت به عفاف آغاز کردند. مقالات و کتاب‌هایی که باعث شدند گروه‌هایی از مردم و به ویژه زنان با چنین تفکراتی همراه شوند و پوشش‌هایی را برای مبارزه با فساد و فحشا راه بیندازند.

اولین کتاب را در این باره، وندی شلیت بانوی فیلسوف، نویسنده و استاد دانشگاه اهل آمریکا نوشت. نام کتاب او «بازگشت به عفاف، دریافت ارزش گمشده» بود. بعدها افراد دیگری با نگارش کتاب‌هایی در این باره مردم غرب را آگاه کردند. آن‌ها با بررسی انواع فساد و مسائل آن، نقش مسائل غیراخلاقی را در از بین بردن نهاد خانواده و ناامن شدن جامعه برای مردم توضیح دادند.

مطالعه این کتاب‌ها و مقالاتی از این دست، کم‌کم باعث شد بخشی از مردم نسبت به خطرات گسترش بی‌حیایی و بی‌عفتی در جامعه آگاه شوند.

به همین دلیل دختران و زنان زیادی در آمریکا و همچنین در کشورهای اروپایی با این جریان همراه شدند. به این شکل پوشش‌هایی با نام «خوشتن داری و پاکدامنی» قبل از ازدواج، پوشش «مد عقیقانه» و نپوشیدن لباس‌های چسبان و بدن‌نما، پوشش «نه به آرایش»، همچنین پوشش‌هایی برای پوشیدن لباس‌های گشاد در کشورهای غربی آغاز شد. در این جنبش‌ها و پوشش‌ها، دختران و زنان ضمن انتقاد به تفکرات ضدخانواده، و تفکرات مروج آزادی جنسی و رها شدن از قیود، خواهان پابندی به ارزشهای اخلاقی و خانوادگی شدند.

به علاوه طرفداران این پوشش‌ها تقاضاهایی از دولت‌های غربی برای تفکیک مدارس دخترانه و پسرانه و ایجاد واگن‌های زنانه در قطارهای شهری مطرح کردند.

جنبش‌های بازگشت به عفاف در کشورهای دیگر

جالب است که کم کم در برخی کشورهای دیگر که سبک زندگی غربی در آن‌ها نیز رواج پیدا کرده بود، همین موج بازگشت به عفاف ایجاد شد. زیرا خانواده‌ها در آن کشورها هم در زمینه اخلاقی به مشکلات غرب دچار شده بودند و مردم این کشورها به دنبال یافتن راهی برای نجات از آن بی‌اخلاقی‌ها بودند.

آن‌ها هم بهترین راه را بازگشت به ارزش‌های اخلاقی و عفاف می‌دانستند. حتی در برخی امور از غربی‌ها بهتر اهداف خود را پیش بردند؛ مثلاً زنان در کشورهایی چون «ژاپن»، «مکزیک»، «هند»، «تایوان»، «کره جنوبی»، «اندونزی» و «مصر» مسئولان کشورهای خود را برای داشتن واگن‌های مخصوص زنان در قطارهای شهری قانع کردند که همچنان واگن‌های مخصوص به زنان در این کشورها وجود دارد.

از طرف بعد از این که انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد، مسلمانان جهان فهمیدند که برای نجات از ستم ظالمان می‌توانند مثل ایرانی‌ها به ارزش‌های اسلامی و هویت دینی برگردند و از آن الگو بگیرند. یکی از این ارزش‌ها تأکید بر «حجاب» بود. به این شکل که خیلی از بانوان مسلمان، مثل بانوان مسلمان کشورهای لبنان، مالزی، نیجریه و غیره، که به خاطر تبلیغات دشمنان، حجاب را کنار گذاشته بودند، کم‌کم دوباره به حجاب روی آوردند. در میان این کشورها زنان ترکیه برای حق داشتن حجاب کارشان سخت‌تر بود.

حجاب در ترکیه

بعد از این که آتاتورک با حمایت انگلستان روی کار آمد، ابتدا علما را از صحنه سیاست حذف کرد. بعد دادگاه‌های اسلامی را از بین برد و اختیار آن را به حقوق‌دانان درس خونده در غرب داد. سپس مدارس مذهبی و مکتب‌های آموزش قرآن به کودکان را از بین برد و به جایش مدارس جدید را به سبک غربی جایگزین کرد و در آخر (۱۹۳۴م، ۱۳۱۳ش) به طور رسمی دستور داشتن حجاب چادر و عبا بانوان مسلمان را ممنوع کرد. تا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که در کشور ترکیه هم جنبش مبارزان مسلمان برای احقاق حقوق اسلامی آغاز و برای تظاهرات روز جهانی «قدس» فراخوانی داده شد (۱۹۸۰م - ۱۳۵۹ش). حاکمان وقت که احساس خطر کرده بودند، علیه این جریان اسلامی کودتای نظامی کردند.

در آن کودتا، رهبران جریان اسلامی را دستگیر و زندانی کردند و نسبت به زنان باحجاب هم سخت‌گیرتر شدند. البته اسلام‌گرایان ترکیه ساکت نشستند و با قدرت بیشتر مبارزه را ادامه دادند. حکومت ضددین (لایک) ترکیه در مقابل قوانین سخت‌گیرانه‌تری را وضع کرد؛ مثلاً قانونی را تصویب کرد که براساس آن ورود و تحصیل زنان را «با روسری» و مردان را با ریش به دانشگاه‌های ترکیه ممنوع کرد (۱۹۹۸م، ۱۳۷۷ش). اما گروه‌های اسلامی مختلف ترکیه و به ویژه زنان معتقد این کشور باز هم اعتراض کردند. آن‌ها با نوشتن مقالات، کتاب‌ها و برگزاری تجمعات و سخنرانی‌ها به قوانین ضددین، از جمله ممنوعیت داشتن حجاب اعتراض کردند.

تا اینکه حزب اسلام‌گرا به قدرت رسید (۲۰۱۰م، ۱۳۸۹ش) و قانون اساسی را اصلاح کرد و قانون منع داشتن حجاب در مراکز دولتی و حکومتی را لغو کرد.

اروپا و قانون ممنوعیت حجاب

تنها در کشورهای اسلامی نبود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، زنان مسلمان می‌خواستند که حجاب اسلامی داشته باشند، زنان مسلمان کشورهای غربی هم به دنبال این خواسته بودند و مرتب به تعداد زنان باحجاب در این کشورها اضافه می‌شد. این استقبال باعث شد تا حاکمان کشورهای غربی با حجاب بیشتر مبارزه کنند. طوری که در یک دهه اخیر در بیشتر کشورهای اروپایی به بهانه‌های مختلف برای داشتن حجاب ممنوعیت‌هایی گذاشته‌اند.

در کشورهای اروپایی مانند سوئیس، اسپانیا، آلبانی و ایتالیا، محدودیت‌های منطقه‌ای برای حجاب وجود دارد و در کشورهای مانند اتریش، بلژیک، بلغارستان، دانمارک، فرانسه و لتونی به طور کلی حجاب در مدارس دولتی و برخی محیط‌های اداری ممنوع است. در واقع یک سوم کشورهای اروپایی علیه حجاب قانونی را تصویب کرده‌اند و اجرا می‌کنند. بنابراین زنان مسلمانی که در این کشورها زندگی می‌کنند، همچنان برای داشتن حجاب در محیط‌های کاری و آموزشی دولتی مبارزه می‌کنند.

۲- بسته محتوایی آیات مقاومت

پیشنهاد می‌شود با توجه به حوادث سیاسی جاری در جهان امروز آیات ذیل که با مضمون مقاومت و جهاد انتخاب شده است در پاتوق‌های گفتگو برای مخاطب تبیین شود.

تفاسیر مطروحه از کتاب «تسنیم» آیت‌الله جوادی آملی انتخاب شده است.

* آیه ۲۱۶ سوره بقره

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهُ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

حکم جهاد بر شما مقرر گردید و حال آنکه بر شما ناگوار و مکروه است، لکن چه بسیار شود که چیزی را مکروه شمارید ولی به حقیقت خیر و صلاح شما در آن بوده، و چه بسیار شود چیزی را دوست دارید و در واقع شرّ و فساد شما در آن است، و خدا (به مصالح امور) داناست و شما نادانید.

جهاد که از احکام حیات‌بخش اجتماعی اسلام و جلوه‌ای از جلال و جمال هماهنگ خداست، بر مؤمنان واجب است، اگرچه با طبع آنان ناملازم است. البته کراهت جهاد به حدی نیست که موجب حرج و نفی وجوب آن شود.

علت کراهت مؤمنان از جنگ سختیها، زیانهای مالی و جانی، ناامنی و گرانی است که جنگ در پی دارد و طبع هر انسانی از این امور گریزان است؛ نه اینکه خود را در برابر دشمن ضعیف می‌دانستند و نگران شکست اسلام بودند، و نه اینکه بر اثر عطوفت و رأفتی که در پرتو تربیت اسلامی پیدا کرده بودند جنگ و خونریزی را، هرچند با کافران و مشرکان بر نمی‌تافتند و امید داشتند با تبلیغ و موعظه آنان را که معاند لدود بوده‌اند به راه آورند، هر چند احتمال این‌گونه از امور بعید نیست.

این آیه نیز نخواستۀ مؤمنان را به دلیل کراهت از جنگ مذمت کند، بلکه خواسته است معیار محبت و کراهت و خیر و شر را رهنمود عقل و نقل معرفی کند. (تسنیم، جلد ۱۰، ص ۵۳۳)

* آیه ۱۶ سوره جن

وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا ﴿١٦﴾ لِنَقْتَنَّهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا

و اگر بر طریق (حق) استقامت کنند، آنان را با آبی فراوان سیراب می‌کنیم، تا در آن (رفاه و آسایش) امتحانشان کنیم و هرکس از ذکر پرورگارش اعراض کند، او را در عذابی سخت در می‌آورد.

بگو به من وحی شده است که خدا چنین فرمود، اگر بشر و جن در طریق مستقیم باشند، ما تمام نیازهای اقتصادی این‌ها را فراهم می‌کنیم؛ اما این به عنوان کرامت نیست نه به آن‌ها که دادیم نشانه تکریم است نه آن‌ها که ندادیم نشانه توهین. ما هر دو را به عنوان آزمون در معرض قرار می‌دهیم. و أَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا؛ آب فراوان، لِنَقْتَنَّهُمْ فیهِ؛ تا بیازماییم.

در سوره مبارکه «فجر» چند بار این آیه مطرح شد، کسانی که وضع مالی‌شان خوب است یا خود آن‌ها خیال می‌کنند که خدا اینها را گرمی داشت، برخی‌ها خیال می‌کنند آن‌ها که وضع مالی‌شان خوب نیست، خدا به این‌ها اهانت کرده است فَأَمَّا لِلنَّاسِ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ؛ یعنی أَكْرَمَنِ، وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي؛ یعنی أَهَانَنِ كَلًّا، نه آن درست است، نه این درست است. آن‌ها که مبتلا به ثروت هستند، ما آن‌ها را آزمودیم، آن‌ها که مبتلا به فقر هستند، ما آن‌ها را آزمودیم. هر دو ابتلاء است. افرادی که سالم هستند در خانه‌ها زندگی می‌کنند، مبتلا به سلامت هستند. آن‌ها که در بستر بیماری بیمارستان هستند، مبتلا به مرض هستند. نه آن تکریم است، نه این اهانت. نه سرمایه‌دار مکرّم است، نه تهیدست تحقیر شده. هر دو ابتلاء است. بعضی‌ها مبتلا به ثروت هستند، بعضی‌ها مبتلا به فقر هستند فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ * وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ * كَلَّا، هر دو ابتلاء است.

اینجا هم فرمود ابتلاء است. حالا آن سالی که خشکسالی است، ابتلاء است. سالی که ترسالی است، ابتلاء است. اکرام در قیامت روشن می‌شود «إِنَّ الْغَنَى وَالْفَقْرَ بَعْدَ الْعُرْضِ عَلَى اللَّهِ»، هر چیزی که در دنیا ذات اقدس الهی مقرر کرد، یک آزمون است «لِنَقْتَنَّهُمْ فِيهِ»

* آیه ۲۹ سوره فتح

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا

محمد، رسول خداست و کسانی که با او هستند، بر کفار، سخت و در میان خودشان مهربانند. آنان را پیوسته در رکوع و سجود می‌بینی، که فضل و رضوان را از خدا می‌جویند.

أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ باشید، سَتَبِرَ باشید، غَلِظَ باشید، وَ لَيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً، چقدر این آیه بوسیدنی است.. نفرمود حمله کنید: «أَغْلَظُوا عَلَيْهِمْ». نفرمود نسبت به دیگران خشن باشید. فرمود طرزی باشید - این امر غایب است نه امر حاضر، «أَغْلَظُوا عَلَيْهِمْ» نیست — که حتماً بیگانه شما را مثل یک کوه ببیند؛ یعنی مثل کوه باشید. امر غایب که نیست «أَغْلَظُوا عَلَيْهِمْ» باشد، آن در میدان جنگ است، يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَ أَعْلَظْ عَلَيْهِمْ [۱۶] که در میدان نبرد است؛ اما در حال عادی، حتماً و حتماً این امر غایب است، امر غایب را هم که آن‌ها گوش نمی‌دهند، آن‌ها به امر حاضر و غایب گوش نمی‌دهند، در حقیقت امر به ماست؛ یعنی الا و لابد شما مثل قله دماوند باید باشید که هیچ کس طمع به نفوذ نکند، وَ لَيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً. الآن هیچ آدم عاقلی کلنگ نمی‌گیرد برود به جنگ قله دماوند یا هیمالیا. سرش به سنگ می‌خورد، برای اینکه می‌داند اینجا نفوذناپذیر است. فرمود شما طوری باشید، دولت شما، ملت شما، مسئولین شما نفوذناپذیر باشید، همین. نه اینکه حمله کنید به دیگران؛ به دیگران حمله نکنید، آن مسئله اسلام و دعوت اسلام راه خاص خودش را دارد؛ اما طرزی باشید که در کل جهان، همه نسبت به شما احساس عظمت و جلال بکنند و هیچ کس به خودش اجازه نفوذ ندهد، برای اینکه این قله دماوند یا کوه هیمالیا را کدام عاقلی است که می‌گوید من می‌خواهم در آن نفوذ کنم؟ فرمود نفوذناپذیر باشید، مستقل باشید، محکم باشید، مُتَقِنَ باشید، وَ لَيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً. اگر یک آدم عاقلی که دیوانه نیست و می‌داند اینجا هیمالیا است، اینجا قله دماوند است، این نفوذناپذیر است، او که سعی نمی‌کند تا نفوذ پیدا کند. فرمود این گونه باشید، این سفارش قرآن است. این هم که فرمود: أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ، نه یعنی حمله کنید. البته اگر دیوانه قصد حمله کرد دفاع می‌شود ضروری؛ اما طرزی باشید که هیچ عاقلی به خودش اجازه نفوذ ندهد.

۳- بسته محتوایی زنان و مقاومت در آیات

در آیه ۷۵ سوره نساء مفهوم جهاد، فراتر از معنای صرفاً نظامی، به زمینه‌های اجتماعی نیز تعمیم داده می‌شود: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ...». این آیه، همگان، اعم از مردان و زنان را به جهاد برای آزادی مستضعفین از ظلم و فساد فرا می‌خواند. شایسته است، ابتدا به معنا و دامنه کلمه «مستضعفین» در این آیه توجه کنیم. این واژه به گروهی اطلاق می‌شود که از حقوق طبیعی خود به دلیل سلطه‌گری و استبداد ظالمان محروم شده‌اند. در تفاسیر، علاوه بر معنی مادی و سیاسی، معنای فرهنگی و فکری نیز لحاظ شده و مستضعفین فرهنگی، گروهی هستند که در میان تبلیغات و تهاجم فکری دشمن، از شناخت صحیح دین محروم شده‌اند. بنابراین، زنانی که در دایره مستضعفین فرهنگی قرار

می‌گیرند، از دو منظر در این آیه مسئول و مخاطب واقع شده‌اند؛ هم به عنوان کسانی که باید از خود و دیگر زنان دفاع کنند، و هم به عنوان کنشگران فعال در جبهه آزادی مستضعفین.

سیره حضرت زینب کبری (س) در تاریخ اسلام، الگویی روشن و عملی برای تحقق این امر است. حضرت زینب در جریان نهضت عاشورا، نه تنها مدافع مظلومان کربلا، بلکه روشنگر افکار جامعه اسلامی در برابر ظلم و جهل بنی‌امیه بود. این نقش به‌قدری مهم و انکارناپذیر است که رهبر معظم انقلاب تأکید می‌کنند: «جهاد زینب کبری (س) از جنس همان جهاد امام حسین (ع) بود، با همان تأثیر و با همان عظمت. یکی در میدان نظامی، یکی در میدان افشاگری و خطابه». از این منظر، زن مسلمان امروز، باید نقش حضرت زینب را در مقابله با جنگ نرم و تهاجم فرهنگی ایفا کند؛ چراکه همانطور که در آیات قرآن تأکید شده، جهاد فی سبیل‌الله محدود به جنگ فیزیکی نیست؛ بلکه تلاش برای آزادی فکری، فرهنگی، و رهایی از نظام سلطه نیز از مصادیق مهم آن به‌شمار می‌رود.

آیه ۲ سوره مائده، دعوتی روشن به همکاری و همبستگی برای تحقق اهداف الهی است: «...وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى...». در این آیه، همکاری در کارهای نیک و خودسازی معنوی به عنوان محور وحدت معرفی شده است؛ محوری که می‌تواند به معنای بسیج زنان در جهت شکل‌دهی به جامعه‌ای سالم و پویا تعبیر شود. مفهوم «بر» در قرآن، گستره‌ای وسیع دارد که همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان را شامل می‌شود؛ از کمک به نیازمندان گرفته تا تلاش برای آبادانی جامعه و حفظ کرامت انسانی. این آیه، زنان مسلمان را به‌سوی ایجاد شبکه‌های تعاونی و مردمی دعوت می‌کند؛ شبکه‌هایی که بر اساس تقوا و اخلاق اسلامی، بتوانند تحول‌آفرین و جریان‌ساز باشند.

در این راستا، تجربه زنان مسلمان در انقلاب اسلامی ایران، شاهدهی بر تحقق عینی این مفهوم قرآنی است. زن مسلمان انقلابی، نه تنها در ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی نقش داشته، بلکه بنیان‌گذار بسیاری از حرکت‌های مردمی، خیریه‌ها و نهادهای اجتماعی بوده است. تعاونی‌های زنان روستایی در ایران، یکی از نمونه‌های شاخص چنین همکاری‌هایی است که در سالیان اخیر توانسته‌اند نقش مهمی در تحقق اقتصاد پایدار و تقویت بنیان‌های محلی ایفا کنند. به همین ترتیب، مشارکت فعال زنان در حوزه‌های علمی و پژوهشی، عمل به همین آیه در سطوح جدید و جهانی است. بیش از ۴۰ درصد از پژوهشگران عرصه‌های نوین فناوری را زنان تشکیل می‌دهند؛ زنانی که با پژوهش و نوآوری‌های خود، نمایانگر تحقق «بر» و تقوا در دنیای کنونی هستند.

آیه ۱۰۳ سوره آل عمران نیز با تأکید بر اهمیت اتحاد و همبستگی میان مؤمنان، معنای جدیدی از مسئولیت اجتماعی زن مسلمان ارائه می‌دهد: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...». حبل‌الله در این آیه، به عنوان ریسمانی معرفی شده است که موجب وحدت و استحکام در میان مسلمانان می‌شود. از منظر تفسیری، این ریسمان قرآن کریم، ایمان به خدا و ولایت معصومین است. مهم‌تر از این مفاهیم، آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، نقشی است که زنان می‌توانند در ایجاد این وحدت

ایفا کنند. خانواده، اولین نهاد اجتماعی است که در آن وحدت و محبت میان افراد شکل می‌گیرد و زن به‌عنوان محور عاطفی خانواده، نقشی کلیدی در حفظ و تقویت این وحدت دارد.

علاوه بر خانواده، زنان در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز می‌توانند عاملانی مؤثر در راستای تقویت وحدت میان امت اسلامی باشند. تشکیل انجمن‌های زنان مسلمان در سراسر جهان، نمونه‌ای موفق از این تلاش‌ها است که توانسته‌اند به ابزارهای مهمی در مبارزه با اسلام‌هراسی و ترویج ارزش‌های قرآنی تبدیل شوند. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در این زمینه می‌فرمایند: «زن مسلمان ایرانی امروز پرچمدار وحدت اسلامی است. همان‌طور که در دوران دفاع مقدس، با ایثار خود جبهه‌ها را تقویت کردید، امروز باید با تولید محتوای قرآنی، جبهه فرهنگی جهان اسلام را مدیریت کنید»

در جمع‌بندی، آیات ۷۵ سوره نساء، ۲ سوره مائده و ۱۰۳ سوره آل عمران، سه محور مهم از مسئولیت‌های زنان مسلمان در جامعه اسلامی را نمایان می‌سازند: مبارزه با استضعاف، ایجاد همکاری اجتماعی برای تحقق تقوا و نیکی، و ایجاد وحدت و انسجام اسلامی. در گفتمان انقلاب اسلامی و براساس آموزه‌های رهبر معظم انقلاب، زن مسلمان، نه تنها پایه‌گذار تمدن اسلامی نوین، بلکه بازیگری فعال در تمامی حوزه‌های دینی، فرهنگی، اجتماعی و بین‌المللی است. این آموزه‌ها، الهام‌بخش نسلی از زنان خواهد بود که بتوانند با تکیه بر قرآن و ارزش‌های انقلاب اسلامی، راهی نوین برای پیشرفت جامعه انسانی بگشایند.

۴- بسته محتوایی اقتصاد مقاومتی بر اساس طرح زندگی با آیه‌ها

از آنجا که یکی از دغدغه‌های مهم عموم مردم ایران و به تبع آن بانوان مسائل اقتصادی است؛ توجه به آیات قرآن کریم که مرتبط با مسائل اقتصادی و معیشتی مردم است، اهمیت زیادی دارد.

آیات مربوط به اقتصاد را میتوان از سه منظر متفاوت مورد بررسی قرار داد. آیاتی که در آنها «بانوان» میتوان نقش آفرینی مهمی داشته باشند.

۱. تولید ثروت و کارآفرینی

براساس آیه ۶۱ سوره هود

هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا

اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی آن را به شما واگذاشت.

همه مسلمانان موظف هستند که برای عمران و آبادانی سرزمین و بهبود زندگی مسلمانان تلاش کنند.

برهمن مبنای بانوانی وجود دارند که به جهت مالی، مدیریتی و توان بدنی قدرت تولید ثروت و کارآفرینی را دارند. این بانوان گاهی با تکیه بر توانایی های فردی و گاهی در قالب گروهی و با تکیه بر آیه ۲ ملئده «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون کنید) به کارآفرینی و تولید ثروت برای خود، دیگران و کشور می پردازند.

چنانچه در طول تاریخ بانوانی چون «سَیِّ فاطمه» همسر امیرچقماق (یزد)، گوهرشاد خاتون همسر شاهرخ میرزاتیموری، زینب بیگم دختر چهارم شاه طهماسب صفوی، اشرف الملوك (فخرالدوله) از کارآفرینان و بانوان واقف دوره قاجار و... با صرف مال خود برای تولید ثروت و کارآفرینی و سپس وقف عواید آن برای نیازمندان نقش آفرینی بسیار مهمی در آبادانی دنیای مردم داشته اند.

۲. انفاق و مواسات

انفاق به عنوان عملی که فاصله میان طبقات ضعیف و ثروتمند را کم میکند، از دستورات اکبر قرآن کریم به همه مسلمانان است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ» (۲۵۴ بقره)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید. از آنچه به شما روزی داده‌ایم، انفاق کنید. پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن، نه خرید و فروش است، و نه دوستی، و نه شفاعت.

برهمن مبنای بانوانی که به جهت بنیه مالی، توانایی انفاق و صدقه و مواسات با نیازمندان را دارند، موظف هستند که در این راه کوتاهی نکنند و مطیع دستور قرآن باشند. چنانچه خداوند در آیه ۹۲ آل عمران می فرماید:

«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»

هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، (در راه خدا) انفاق کنید.

این انفاق و دستگیری از نیازمندان، در هر سطحی که باشد به واقع میتواند مشکلات اقتصادی اقشار ضعیف جامعه را کمتر کند. به ویژه که این انفاق باید بیشتر برای افرادی انجام شود که با سیلی صورت خود را سرخ نگه میدارند و فقر خود را فریاد نمی‌زنند.

«لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (۲۷۳ بقره)

(انفاق شما، مخصوصاً باید) برای نیازمندانی باشد که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفته‌اند؛ نمی‌توانند مسافرتی کنند (و سرمایه‌ای به دست آورند) و از شدت خوشتن‌داری، افراد ناآگاه آنها را بی‌نیاز می‌پندارند؛ اما آنها را از چهره‌هایشان

می‌شناسی؛ و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی‌خواهند. (این است مشخصات آنها) و هر چیز خوبی در راه خدا اتفاق کنيد، خداوند از آن آگاه است.

در این زمینه زندگی و مشی بخشنده‌گی و روحیه انفاق حضرت خدیجه(س) و حضرت زهراى مرضیه(س) میتواند به عنوان بهترین الگو معرفی شود.

۳. قناعت و مناعت طبع

قناعت و عدم اسرافکاری وظیفه‌ای است که همه مسلمانان برعهده دارند. اما شاید داشتن قناعت و مناعت طبع برای اقشار ضعیف واجب تر باشد.

بانوان مسلمانی که نه ثروت و قدرتی برای تولید کالا و خدمات و نه شرایطی برای کارآفرینی دارند و حتی مالی برای انفاق و مواسات ندارند، بیشتر لازم است که روحیه قناعت را در پیش گیرند.

اولین دستور قرآن برای ایجاد روحیه قناعت در انسان، مخالفت با روحیه دنیاطلبی است.

اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْبٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ. (۲۰ حدید)

بدانید که زندگی دنیا در حقیقت بازی و سرگرمی و آرایش و فخر فروشی به یکدیگر و فزون خواهی در اموال و فرزندان است. [مثل آنها] مثل بارانی است که رستنی آن [باران] کشاورزان را به شگفتی آورد. سپس [آن کشت] خشک شود و آن را زرد بینی. آن گاه خاشاک شود و در آخرت [دنیاپرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آمرزش و خشنودی است و زندگانی دنیا، جز کالای فریبنده نیست.

اما در مرحله بعد خداوند، شکر نعمت‌های داده شده به انسان و رضایت به هرچه هست و نیست؛ نهی کفران نعمت را، برای ایجاد مناعت طبع توصیه می‌فرماید.

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ ۖ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ (۷ ابراهیم)

و (باز به خاطر آرید) وقتی که خدا اعلام فرمود که شما بندگان اگر شکر نعمت به جای آرید بر نعمت شما می‌افزایم و اگر کفران کنید عذاب من بسیار سخت است.

در این زمینه میتوان روحیه قناعت‌گرایانه قمرالسادات مهدوی طباطبائی همسر گرانقدر علامه طباطبائی و مرحوم مرضیه حدیدچی (دباغ) را به عنوان نمونه برای مخاطبان بیان کرد.

مرکز راهبری و هم آهنگی بانوان سازمان تبلیغات اسلامی

رمضان ۱۴۰۳ - ۱۴۰۴